تجارت ابریشم ایران در زمان شاه عباس اول

فلسفی، نصرالله

نصرالله فلسفی‏ استاد دانشگاه‏ شاه وتجارت-شاه عباس چون در سراسر دوران پادشاهی خویش‏ جویای افتخارات گوناگون و نیکنامی بود،پیوسته می‏کوشید تا آنجا که میسر باشد با افزودن بر صادرات و کاستن از واردات،بر ثروت مملکت‏ بیفزاید،بهمین سبب در امور بازرگانی نیز مداخله و اعمال نفوذ میکرد، و خرید و فروش امتعه خارجی و داخلی را در اختیار خود میگرفت.

یکی از مأموران سیاسی انگلستان که در اواخر پادشاهی شاه عباس به‏ ایران آمده است،درین‏بارهء چنین می‏نویسد:

«...شاه عباس را ملامت می‏کنند که بکار تجارت مشغولست ولی بگمان‏ من توجه مخصوص و شرکت وی در امور بازرگانی کشور گناهی نیست.زیرا در ایران‏ تجارتهای بزرگ و گرانبها از همه کس ساخته نیست.پادشاه ایران اجناس‏ فراوانی را که بازرگانان بیگانه از کشورهای شرق و غرب وارد میکنند به بهائی‏ (\*)نقل از جلد پنجم«زندگی شاه عباس،که بزودی از طرف دانشگاه تهران‏ چاپ خواهد شد.

ارزان می‏خرد و در مقابل آن اجناس مرغوب ایران را بوسیلهء ایشان صادر میکندو آنچه را که خریده است برای فروش ببازرگانان ایرانی می‏سپارد..در ایران هیچکس جز وزیر مخصوص که از جانب شاه تعیین شده است،اجازه‏ معامله با تجار بزرگ خارجی را ندارد هرگاه که اجناسی تازه وارد ایران‏ شود نخست انواع آن را از نظر شاه میگذرانند تا اگر پسندید خریداری کند، وگرنه در اختیار دیگران گذارد.1

تجارت ایران با دیگر ممالک از پیشتر بوسیله بازرگانان ترکستان‏ و هندوستان و چین و انگلستان و اسپانی و هلند،و از مغرب بدستیاری تجار ونیزی‏ و ارمنی صورت میگرفت.اجناس و امتعهء شرقی بیشتر امتعهء گرانبهائی مانند پارچهای ابریشمین و چای از چین و ادویه گوناگون و انواع جواهر و نفایس‏ دیگر از هندوستان و کشورهای شرقی آسیا بود.شاه عباس چون می‏شنید که‏ کاروانی از بازرگانان بیگانه بسرحدات کشور رسیده است،بیدرنگ رعایای خود را از معامله با ایشان منع میکرد،تا ناگزیر امتعهء خویش را ببهائی نازل‏ تسلیم او کنند.یا بدروغ شهرت میداد که راهها بسبب لشکرکشیهای تازه خراب‏ و دور از امنیت است.بطوری‏که بازرگانان بیگانه ناچار برای احتزاز از خطر های احتمالی،آنچه داشتند ببهای ارزان میفروختند،یا با امتعهء ایرانی بقیمتی‏ که او خواست مبادله میکردند.

از بازرگانان بیگانه،شاه عباس به اتباع ونیز،بسبب آنکه در کار تجارت‏ ابریشم کوشش و مهارت بسیار نشان داده بودند،توجه و علاقه مخصوص داشت،و با تجار هندی بدان سبب که در رباخواری و بیرون بردن سرمایه‏های نقد از ایران‏ افراط میکردند،مخالف بود

ژان باپتیست تاورنیه‏2جهانگرد فرانسوی در سفرنامهء خویش دربارهء بی‏توجه بودن شاه ببازرگانان هندی چنین نوشته است:

(1)-سفرنامه سرتامس هربرت

(2)- J.B.Tavernier

«شاه عباس اول که شیفته افتخارات و نام نیک بود،پیوسته در ازدیاد وسائل ایجاد ثروت و انتظام در کشور خویش می‏کوشید او نمی‏خواست که پول‏ از کشورش بیرون رود...و هرگز مایل نبود که یکنفر بانیان‏1یا هندی‏ در ایران مسکن گیرد و بکار تجارت پردازد زیرا این قوم در کار رباخواری‏ از قوم یهود نیز بدترند،و هرکجا باشند در اندک مدت نقدینه آنجا را مالک و متصرف میشوند در رباخواری چنانند که پول را از سرمایه- داران و بزرگان قوم درصدی هشت یا نه منفعت،میگیرند و در برابر وثیقه یا گروهای زیاده از حد،از قرار صدی سی،یا اگر میسر باشد بیشتر از آن بدیگران وام میدهند.

اهمیت ابریشم در ایران‏ در زمان شاه عباس اول و جانشینان او ابریشم یکی‏ از بهترین و گرانبهاترین محصولات بازرگانی ایران بود و در کشورهای اروپائی خریداران بسیار داشت محصول ابریشم از ولایات گیلان‏ و مازنداران و استراباد(گرگان)و اردبیل و شروان و شماخی و قراباغ و خراسان بدست‏ می‏آمد،چنانکه یکی از سفیران بیگانه،که درزمان شاه صفی نوه و جانشین شاه‏ عباس به ایران آمده است،می‏نویسد،محصول ابریشم پرحاصلترین این نواحی‏ در سال بقرار زیر بوده است:

گیلان:در حدود 8000 عدل

(1)-بانیان‏ها(بزبان سنسکریت بانیک یا بازرگان)یکی از قبایل هندو از فرقه ویسیاس (Vaiscias) بوده‏اند.اما مورخان اروپائی این نام را غالبا بر بازرگانان بزرگ شهرهای غربی هندوستان که بصورت کاروان در داخل آسیا از چین و ایران تا سرزمین روسیه پیش می‏رفته‏اند،اطلاق می‏کنند.

شروان:در حدود 3000 عدل

خراسان:در حدود 3000 عدل

مازندران در حدود 2000 عدل

قراباغ در حدود 2000 عدل

مجموع حاصل ابریشم ایران نیز در سال نزدیک بیست هزار عدل بوده، و هر عدل ابریشم در آن زمان در حدود 36 من وزن داشته است.ولی باید دانست که یک من وزن معمولی ایران در زمان شاه عباس در سراسر کشور یک‏ سان نبوده،و از آن جمله یک من تبریز معادل سه کیلو،در گیلان برابر شش کیلو و در شماخی و قراباغ مساوی با هشت کیلو بوده است.مصرف‏ سالانهء ابریشم را در سراسر ایران نیز،در زمان شاه عباس بسیار کم و در حدود یکهزار عدل نوشته‏اند.

شاه عباس چون در نخستین سالهای سلطنت دریافت که معاملات بازرگانی‏ ایران با کشورهای بیگانه رواجی ندارد،و بسبب افزونی واردات کشور بر صادرات از ارزش و مقدار سرمایه‏های نقدی کاسته میشود،خرید و فروش‏ بسیاری از محصولات و امتعهء گرانبها و مرغوب ایران را،که در کشورهای‏ اروپائی خریدار بسیار داشت،در اختیار خویش گرفت،و از آنجمله معاملات‏ ابریشم در تمام دوران سلطنتش در انحصار وی بود.بفرمان شاه تولیدکنندگان‏ ابریشم ناگزیر تمام محصول سالانهء خویش را بوسیلهء وزیر مخصوص که مأمور مراقبت در امور تجاری بود،بشخص وی میفروختند و فروش محصول ابریشم‏ در سراسر کشور بمشتریان دیگر امکان نداشت.شاه عباس ابریشم را از مالکان‏ آن بنصف بهائی که مشتریان دیگر،خاصه ارامنهء جلفای اصفهان،خریدار بودند میخرید،و سپس آن را ببازرگانان ایرانی و بیگانه بقیمتی که خود معین میکرد،میفروخت،و همه سال از این راه سود گزافی،که بگفتهء برخی‏ از معاصران وی در حدود هشت میلیون تومان زمان بوده است،بخزانهء خویش‏ میریخت.بتجاری هم که احیانا برخلاف دستور او از دیگران ابریشم میخریدند اجازه میداد که آنرا از طریق آسیای صغیر و خاک عثمانی صادر کنند و برای‏ هربار بدلخواه خود مبلغی از ایشان میگرفت.

1-پی‏یترودلاواله جهانگرد ایتالیائی که در زمان شاه عباس‏ چندین سال در ایران بسربرده است و ازو درین تاریخ بسیار نام برده‏ایم، (1)-سفرنامهء پی‏یترودلاواله،مجلد پنجم،صفحات 114 و 183.

دربارهء مداخله و شرکت آن پادشاه در امور بازرگانی و منحصر ساختن خرید و فروش بسیاری از امتعه و اجناس ایرانی و بیگانه بخویش چنان نوشته است:

«پادشاه ایران بزرگترین و یگانه تاجر کشور خویش است و هر معامله‏ای را که سود بسیار داشته باشد بشخص خود اختصاص میدهد و دیگران را از مداخله‏ در آن بازمیدارد.هیچگونه محصول و متاع سودآوری در ایران نیست که‏ اختیار خود و فروشش در انحصار وی نباشد.چنانکه من در بازار اصفهان‏ بچشم خود دیدم که عمال او پیازهای مخصوص شاه را بمردم میفروختند!»

نمایندگان بازرگانی ممالک بیگانه و هیچ تاجر خارجی نیز بی‏اجازهء او بخرید ابریشم نمی‏پرداختند.یکی از جهانگردان زمان وی می‏نویسد که: «نمایندهء بازرگانی انگلستان در سال 1029 هجری قمری(سال 1619- 1620 میلادی)برای دیدار شاه به فیروزکوه رفت تا ازو برای خرید ابریشم‏ گیلان اجازه گیرد.زیرا در حوزهء اصفهان بجز ابریشم خراسان،که بدلخواه‏ وی نبود،ابریشمی پیدا نمیشد،شاه عباس بدو اجازه داد که بگیلان رود و هر مقدار ابریشمی را که مایل است بحساب او با مناسبترین بها خریداری کند و بهای‏ آن را بنقد بپردازد،یا در مقابل آن از امتعه و اجناسی که کشتیهای انگلیسی‏ از کشورهای بیگانه آورده‏اند،بقیمتی که شاه خود معین خواهد کرد،تحویل‏ دهد.زیرا نمایندگان بازرگانی بیگانه جز با شخص شاه با دیگری معامله‏ نمی‏توانند کرد.

امتعهء انگلیسی بیشتر از قبیل ماهوت انگلیسی و پارچه‏های هندی و اجناسی از اینگونه است که در ایران مشتری کافی ندارد و مدت زمانی در دکانها می‏ماند،و بهمین سبب بازرگانی ایران و انگلیس رونقی نیافته است....»1

ابریشم ایران هرگاه که شاه عباس با سلطان عثمانی در صلح و مسالمت‏ بسر میبرد،بیشتر از راه آسیای صغیر و گرجستان و بحرالروم و دریای سیاه‏ به اروپا فرستاده میشد،و اگر میان دو دولت آتش جنگ برافروخته بود، بوسیله کشتیهای پرتغال و اسپانی یا انگلستان از طریق بندر گمبرون(بندر عباس)و خلیج فارس و اقیانوس هند حمل می‏گشت.

آنتونیو دوگوه‏آ(1-کشیش کاتولیک که در آغاز سال 1010 (1)- Antonio de Gouvea

هجری قمری،هنگامی که پادشاهان ایران و عثمانی در صلح و دوستی بسر می‏بردند،از جانب فیلیپ سوم پادشاه اسپانی برای تبلیغ دین عیسی به ایران‏ آمد،از اینکه محصول ابریشم بیشتر از راه آسیای صغیر و گرجستان به اروپا فرستاده میشده است،در سفرنامهء خود اظهار نگرانی کرده و چنین نوشته است:

«...هرگاه ابریشم ایران از طریق هرمز و بوسیلهء سفائن اسپانیائی‏ به اروپا فرستاده شود،تمام ابریشم جهان در اختیار پادشاه اسپانی‏ قرار خواهد گرفت.زیرا که در اروپا جز در شهر گرناد1، که در قلب اسپانی واقع است،در جای دیگر ابریشم جهان نیز از سرزمینهای گیلان و گرگان و یزد و خراسان و آذربایجان فراهم‏ میشود،که همه در اختیار دولت است و در اروپا و آسیا مصرف بسیار دارد....»2

شاه عباس در سال 1017 هجری(1608 میلادی)هنگامی که با دولت‏ عثمانی در جنگ بود،همین کشیش را،که در آنسال بار دیگر از جانب‏ پادشاه اسپانی به ایران آمده بود،با یکی از سرداران خود بنام‏انگیز بیگ‏ یوزباشی روملو و نامه‏ای دوستانه برای فیلیپ سوم،به اسپانی بازگردانید3 و در آن نامه دربارهء فرستادن ابریشم به اسپانی از طریق هرمز و اقیانوس‏ هند چنین نوشت:

«...درباره تجارت ابریشم نیز سعی خواهم کرد که معاملات آن را از دست ترکان عثمانی خارج کنم و بعمال آن اعلیحضرت سپارم،و تجارت این‏ متاع را از راه هرمز دائر سازم.ولی خوبست که از آن‏جانب نیز کس بجزیرهء هرمز فرستاده شود که حافظ منافع سوداگران ایران باشد،تا کسانی که از اصفهان ابریشم بدانجا میفرستند ضرر نکنند و خسارت نبینند....» بقیه در صفحهء 77

(1)- Grenade یا بزبان اسپانیولی گرانادا- ẓGranade از شهرهای اسپانی در ایالت آندالوزی- ẓAndalousia

(2)-از سفرنامهء«آنتونیو دو گوه‏ا»

(3)-برای تفصیل این سفارت و مضمون تمام نامهء شاه عباس و سرنوشت‏ انگیزبیگ روملو بصفحات 179 تا 180 و 220 و 229 تا 230 کتاب سوم، و صفحات 176 تا 178 و 183 و 187 کتاب چهارم این تاریخ مراجعه باید کرد.